

أقّة السماح المرق
 کی سبقت شود کسی که از آن
 جز نعمت کسندم کرده
 غیر از خزان نیست
 آفت روضه خوان کرده

الرابع عشر
السعیء من وعظ بجزه
 بنگار کسی که می شنود
 از شک بر تبلیغی در آن
 سخن روزگار نادیده
 بید کبر و رستی در آن

الخامس عشر
کنی بالمر ائمان بحديث بكل ما سمع
 مرد را پس همین کند که قدم
 از عمر امان نهد بیرون
 مرد را بدین روزگار
 از عمر زبان و دهر بیرون

السادس عشر
کنی بالموت واعظا
 چندگیری مجلس واعظ
 یا منبری که سخن بید
 معظمت تو لبس کرد سبای
 نوره در جز که با کلمه

السابع عشر
خير الناس انفعهم للناس

می کرد بر کسی که بزرگتر است
 که هم از اول سخن بستان
 بهتر است کسی که بود در سخن
 بیشتر باشد و سخن نفع بستان

الثامن عشر
ان الله يحب السهل الطلق
 ما فزاد و کسود باطن
 بکمال و یک زبان و دگر روشن
 شاد طبع و شکسته نظر
 نرم خوی و کشاد دهر و دشت

التاسع عشر
مهاد و اشجانا
 دوستی فقر و پرست دوستی
 مال از فقر سوی پرستند
 بهدایا کنید داد و پرستند
 تا بهم زبان و سیله دوستند

العاشر
اطلبوا الخير عند حسان الرضه
 بر هر خوبی منزل بگیر
 چون پی حاجتی در آن
 تا از آن پیشتر که حاجت تو
 در راه خود شریک سبای

الحادی والعشرون
فزع غيبا تزود حيا